خانه آرزوها

بعد از چهارراه وحدت اسلامی به سمت میدان رازی در میان ساختمان های رنگ و رو رفته خیابان مولوی، ساختمانی قدیمی با سر درِ نیم دایره ای و در آهنی بزرگ دو لنگه ای که معلوم است تازه با رنگ سفید نو نوار شده قرار دارد. پلاک ۹۹۴. این ساَختمان کهنه اما با صفا چهارشنبه هر هفته پذیرای کلی آدم با معرفت و مهربان از طیف های مختلف است...

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

تله سی‌یژ به جای سرویس مدرسه

یک صبح بهاری در ارتفاع ۱۵۰۰ متری تهران

زندگی
سحر جعفریان
روزنامه نگار

ماه، ماه اردیبهشت است و هوا هم متلاطم. ابوالفضل، عبدالله و باقی همکاران به قرار هر روز صبح ساعت ۸ در محل کارشان حاضر می‌شوند؛ محلی در ارتفاع بیش از هزار و ۵۰۰ متری از سطح زمین که سال ۱۳۴۶ ایستگاه تله سی‌یژ پیست دربند در آن بنا شده. آنان بلیت‌بان و اپراتور بالابرِ تفریحی و کوهستانی تله سی‌یژ هستند که کارشان این است که بعد از پاییدن بلیت گردشگران به آنها کمک کنند تا آرام و راحت روی صندلی‌های دو نفره تله سی‌یژ بنشینند و بدون ترس و استرس از مسیر مرتفع که به فراخور هر فصل سال یا سبز و نارنجی یا بارانی و برفی است، لذت ببرند. از مسافران پر تعدادشان هم دانش آموزان قد و نیم قدی هستند که تله سی‌یژ به سرویس مدرسه‌شان تبدیل شده. آنها از اهالی روستای پس‌قلعه‌اند که هر روز صبح پیاده از پستی و بلندی میانه کوه خود را به ایستگاه دوم تله سی‌یژ می‌رسانند تا سوار بر تله‌های فلزی خیلی زود به مدرسه‌شان که چند متری پایین‌تر از میدان دربند است، برسند. هر ظهر هم این رویه برعکس اتفاق می‌افتد یعنی از مدرسه به خانه. اغلب روزها، پیش از آنکه ابوالفضل و همکارانش فرصت کنند زیر کتری دوداندود خود را برای تدارک بساط چای و صبحانه آتش بیندازند، این گردشگران کوچک همیشگی از راه می‌رسند.

عکس‌ها: همشهری/علیرضا طهماسبی

وقتی تله سی‌یژ سرویس مدرسه می‌شود

پیش‌تر از ابوالفضل و همکارانش، این مسئولان دستگاه تله سی‌یژ هستند که با روشن کردن موتور دیزلی و به حرکت درآوردن قرقره‌ها روی کابل‌های فولادی، قصد کار روزانه می‌کنند. همین که دستگاه روشن می‌شود ۵۰صندلی که در فواصلی معین نسبت به هم قرار گرفته‌اند با سرعت یک و نیم متر بر ثانیه از مبدا ایستگاه اول به مقصد ایستگاه دوم به گردشی ممتد درمی‌آیند. اپراتورهای شیفت صبح ایستگاه یک(مبدا)، ابوالفضل و عبدالله هستند که از ساعت ۸صبح تا ۱۵ پای دستگاه تله سی‌یژ با لباس‌های فرم سفید و سیاه حاضر به یراق می‌ایستند. ابوالفضل ترسی از ارتفاع ندارد. از این روست که برخی روزها، حالش اگر کیفور و جور، باد اگر موافق و هوا اگر مساعد باشد بعد از پایان کارش، سوار تله سی‌یژ می‌شود و ابتدا خود را به میانه دره دربند، آنجا که پهنه کوچک روستای پس‌قلعه پهن است، می‌رساند و بعد هم کوه را کمی تا نزدیکی توچال می‌پیماید. برخلاف او اما این عبدالله است که از ارتفاع می‌ترسد؛ هر چند که سن و سابقه بیشتری هم دارد. ترس از ارتفاع از کودکی در جانش دویده؛ از همان وقت که بچه‌های محل از دیوار باغ همسایه بالا می‌رفتند و دزدکی شاخه‌های درخت گردو را می‌تکاندند برای چشیدن نوبرانه‌هایش و او فقط از پای آن دیوار کاهگلی نگاه می‌کرد. با این حال خاطراتش از هول و هراس، بیم و باک و شوق و ذوق گردشگران تله سی‌یژسوار به مثنوی هفتادمن می‌ماند. مانند آن خاطره که به روزهای نخست کارش حدود ۸سال پیش بازمی‌گردد: «بعد از گذروندن جلسات آموزشی، اومدم ایستگاه وایستادم. یک روز دیدم چندتا دختر و پسر بچه دبستانی ریزه میزه بدون بلیت و همراه، اومدن تا سوار تله سی‌یژ بشن! گفتم بلیت‌تون کو؟ بزرگ‌ترتون کجاست؟ اونا هم خیلی عادی گفتن ما اهل روستای پس‌قلعه‌ایم و هر روز از همین مسیر می‌ریم مدرسه و خونه! بلیت و بزرگ‌تر نمی‌خواد؛ سرویس مدرسه‌مونه!» حرفش تمام‌شده و نشده از دور صدای پسران نوجوانی به گوش می‌رسد که سوار بر تله سی‌یژ به شوخی فریاد می‌زنند: «داداش، تندترش کن!»

ژانگولربازی و نان و آب اپراتوری تله سی‌یژ

چای دیشلمه صبحگاه با توجه به تعدد مراجعه گردشگران از دهان افتاده و ابوالفضل به فکر دَم کردن مُشتی چای دیگر است. پیش از آن، بلیت ۲مرد گردشگر را چک می‌کند و آنها را به سمت سکوی نشیمن صندلی هدایت می‌کند: «بی‌حرکت وایستید و وقتی صندلی از پشت بهتون نزدیک شد روی اون بشینید. بعد کمکتون می‌کنم تا میله محافظ رو هم بکشید جلو. خواهش می‌کنم توی مسیر کار خطرناکی انجام ندید.» یکی از آنها به سخن می‌آید: «مثلا چه کار خطرناکی؟!» ابوالفضل هم که گویی فایل مربوط به خاطره ایستادن پسر جوان روی صندلی تله سی‌یژ هنگام حرکت آن در سرش باز شده، پروا می‌دهد: «مثلا نکنه یه وقت شیطون بره توی جلدتون و بخواید ژانگولربازی و حرکت‌های آکروباتیک انجام بدید و یا چیزی به این طرف و اون طرف پرت کنید! ان‌شاءالله که سرتون باد نداره!» ۲مرد گردشگر بعد از درآمیختن تعجب و خنده، نشسته روی صندلی پیش می‌روند تا از فرازی تماشایی، پایتخت را دید بزنند و سلفی پشتِ سلفی بگیرند؛ سلفی‌هایی فتوشاپی که اغلب، کسب‌وکار عکاسانِ مسیر رفت و برگشت تله سی‌یژ را از رونق می‌اندازد. رامین و محمد عکاسان ۲عکاسخانه (جایگاهی تعبیه شده در دامنه ارتفاع) کوچک و چوبی این مسیر مهیج هستند که با دوربین‌های حرفه‌ای و چند لنزی خود هر لحظه به فکر شکار تصاویری خاص از گردشگران تله سی‌یژسوارند. حدود ۵۷۰متر جلوتر از ایستگاه نخست، ایستگاه دوم یا همان مقصد واقع شده که سجاد و جعفر نیز در آن به‌عنوان بلیت‌بان و اپراتور فعالیت دارند. جعفر، ۳۰سال دارد و حالا کمی کمتر از ۱۰سال است که زمین‌های حاصلخیز و ساحلی زادگاهش در مازندران را ترک و عزم تهران و شغل‌های نان و آب‌دارش را کرده. اینکه چطور دست روزگار او را از دریا به کوه و کوهپایه کشانده، قصه‌ای دراز دارد که او چنین خلاصه‌اش می‌کند: «کار نان و آب‌دار، تحصیلات، تخصص و یا پول می‌خواد که خب من هیچ‌کدوم رو نداشتم.» بعد از سلام و احوالپرسی مختصر با چند پاکبان شهرداری و کارگر ساختمانی که مشتری هر روز و بدون بلیت تله سی‌یژ برای رسیدن به محل کار خود در مسیرهای پیاده‌روی و یا ساختمان‌های در حال ساخت حاشیه روستاهای علیای دربند هستند، می‌گوید: «خدا رو شکر؛ با نون و آب همین اپراتوری تله سی‌یژ هم سیر می‌شیم!»

> ابوالفضل، عبدالله و باقی همکاران به قرار هر روز صبح ساعت ۸ در محل کارشان حاضر می‌شوند؛ محلی در ارتفاع بیش از هزار و ۵۰۰متری از سطح زمین که سال ۱۳۴۶ ایستگاه تله سی‌یژ پیست دربند در آن بنا شده

تماشای گزارش

هوای گردشگران تنها را داریم!

ساعت حوالی ظهر، کار بتول خانم در یکی از رستوران‌های بالای ایستگاه دوم تله سی‌یژ تمام می‌شود و می‌آید که مانند هر روز سوار بر این بالابرهای تفریحی کوهستانی سوی خانه‌اش، شود. جعفر تا چشمش به او می‌افتد، خطاب به خانم گردشگری که تنهاست و همراهی ندارد، می‌گوید: «آهان؛ دعات گرفت و یه همراه مطمئن برات اومد.» و بعد رو به بتولِ خسته از کار شست و روفت رستوران می‌گوید: «بتول خانوم؛ کنار این خانوم می‌شینی تا نترسه؟!» بتول هم با یک دست ساک بزرگش را سفت می‌چسبد و با دست دیگرش گوشه چادرش را به دندان نیش می‌دهد: «بار و بندیل امروزم سنگینه! پس باید اینا رو بذاری توی تله بارکش.» لابه‌لای ۵۰صندلی تله سی‌یژ، یک تله بارکش هم وجود دارد که از آن به وقت بارکشی وسایل مهمانان خارجی که قصد دارند چند شبی در ویلاهای دربند علیا اقامت کنند و یا برای جابه‌جایی وسایل امداد و نجات گروه‌های امدادرسان استفاده می‌کنند. سجاد دلش می‌خواهد از آن روز هم بگوید که دختر جوان با وجود ترس شدید از ارتفاع و هشدارهایی که اپراتورها به او داده بودند سوار تله سی‌یژ شد و نیمه راه، بعد از کلی جیغ و فریاد، غش کرد. اما خب، عقربه‌های ساعت به عدد ۱۵رسیده‌اند و این یعنی پایان کار یک روز معمولی اپراتورهای ارتفاع و تحویل شیفت کاری به اپراتورهای سرحال و قبراق شیفت بعد.

آگهی مزایده

اداره کل اموال و املاک استان البرز وابسته به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

در نظر دارد **سردرختی محصولات باغات مشروحه ذیل** را از طریق مزایده عمومی در سال ۱۴۰۳ واگذار نماید. متقاضیان محترم می‌توانند همه روزه به‌جز ایام تعطیل تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ از ساعت ۷:۳۰ الی ۱۶ جهت اخذ اطلاعات و بازدید از محل و دریافت فرم شرکت در مزایده به آدرس: کرج – بلوار شهید چمران – بعد از میدان امام حسین (ع) جنب دفتر هواپیمائی – پلاک ۳۴۳ مراجعه و پیشنهادات خود را ارائه نمایند.

همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن‌های ۳۲۲۴۹۶۱۶–۰۲۶ و ۳۲۲۸۱۶۸۹–۰۲۶ تماس حاصل فرمایید.

۱– اخذ پاکت‌های پیشنهادی به‌همراه اصل چک بانکی در وجه سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان به‌شماره شناسه ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ به میزان ۵% قیمت پایه مورد نظر طبق فرم شرایط شرکت در مزایده قابل انجام است.

۲– بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی در محل دفتر کرج به آدرس فوق در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۲ ساعت ۱۴ طبق برنامه زمان بندی شده انجام خواهد گرفت.

۳– پیشنهادات فاقد سپرده و یا مخدوش و مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط و رعایت مفاد شرایط شرکت در مزایده که از طریق دفتر مزایده ارائه می‌گردد الزامی می‌باشد. ضمناً امضای پشت و روی فرم تقاضا ضروری است.

۴– سازمان در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار می باشد.

۵– اخذ اطلاعات از دفتر مزایده و بازدید از باغات لازم و ضروری می‌باشد. بدیهی است در صورت عدم بازدید و اخذ اطلاعات لازم مسؤولیتی متوجه سازمان نخواهد بود.

۶– ۱% رقم پیشنهادی به‌عنوان هزینه مزایده از برندگان نقداً دریافت می‌گردد.

۷– شرایط فروش سردرختی کلیه املاک مندرج در لیست مزایده به‌صورت ۵۰ درصد پرداخت نقدی و الباقی طی یک فقره چک بانکی به سررسید ۲ ماه قبل از اتمام قرارداد اجاره خواهد بود.

۸– لازم به ذکر است جهت تضمین حسن انجام تعهد یک ضمانت‌نامه بانکی به تاریخ پایان قرارداد به مبلغ ۵۰% کل قرارداد اخذ خواهد گردید.

۹– متقاضیان می‌توانند پاکت‌های پیشنهادی خود را تا ساعت ۱۲:۳۰ در محل بازگشایی در صندوق پاکات مزایده قرار دهند.

ردیف	آدرس	قیمت پایه مزایده (ریال)	تضمین (۵%) شرکت در مزایده (ریال)
۱	کرج، مهرشهر، فاز۳، باغ موسوم به آلو	۱۱۰ / ۸۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	۵ / ۵۴۴ / ۰۰۰ / ۰۰۰
۲	کرج، کمالشهر، روبه‌روی پلیس راه، باغ موسوم به نهالستان	۸ / ۲۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	۴۱۲ / ۵۰۰ / ۰۰۰
۳	کرج،جاده چالوس، روستای ولایت رود	۱ / ۱۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	۵۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰

آگهی مزایده عمومی شماره ۱–۱۴۰۳

شرکت مارگارین (سهامی عام)

شرکت مارگارین (سهامی عام) در نظر دارد موضوع بند دوم آگهی حاضر را از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه خریداران واجد شرایط که آمادگی و توانایی شرکت در این مزایده را دارند، دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد، وفق شرایط و برنامه زمان‌بندی مندرج در این آگهی به واحد بازرگانی این شرکت مراجعه نمایند.

۱– نام و نشانی مزایده گزار: شرکت مارگارین (سهامی عام) به نشانی تهران، شهرری، کیلومتر ۳ جاده ورامین، خیابان راهبر، پلاک ۸

۲– موضوع مزایده: اقلام مستعمل و مازاد بر نیاز

۳– مبلغ سپرده شرکت در مزایده: مطابق مندرجات اسناد مزایده

۴– زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:

متقاضیان می توانند با در دست داشتن معرفی نامه (اشخاص حقوقی) و کارت شناسایی معتبر از تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ لغایت ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ در ساعات اداری با مراجعه حضوری به واحد حقوقی شرکت مارگارین به نشانی مندرج در بند یک آگهی، اسناد مزایده را دریافت نمایند.
(تلفن تماس: ۰۲۱۳۵۸۱۱۴۰۴)

۵– مهلت و محل ارائه پیشنهادها:

دریافت کنندگان اسناد مزایده تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ مهلت دارند که پیشنهادهای خود را مطابق اسناد مزایده، به واحد حقوقی شرکت مارگارین، تحویل نمایند.

۶– شرکت مارگارین در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. ارائه پیشنهادها، هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

۷– به پیشنهادها و اسنادی که با تأخیر و پس از مهلت مقرر واصل گردند و همچنین به درخواست های فاقد سپرده شرکت در مزایده، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۸– هزینه آگهی، هزینه کارشناسی و ۱۰٪ مالیات بر ارزش افزوده، در زمان پرداخت بهای اقلام مزایده به صورت جداگانه محاسبه و از برنده مزایده، دریافت خواهد شد.

۹– سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده مندرج است.

((نوبت اول)) شماره مزایده: ۴۰۳/۰۰۴

PASCO

آگهی فراخوان شرکت در مزایده عمومی
شرکت صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد (سهامی خاص)

شرکت صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد واقع در شهرستان کوار- کیلومتر ۶۹ جاده شیراز- جهرم در نظر دارد ضایعات تولیدی خود به میزان ۱۰۰,۰۰۰ تن مخلوط آهک و ضایعات ذوب (ته پاتیل) و ۱۳,۰۰۰تن گندله کلوخه شده (chunk) را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. کلیه متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ لغایت ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ جهت دریافت مدارک مزایده پس از واریز مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به شماره حساب IR۰۹۰۱۱۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۰۵۹۲۳۹۰۰۵ نزد بانک صنعت و معدن شعبه مرکزی تهران به نام شرکت صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد بابت خرید اسناد مزایده، با واحد کمیسیون معاملات این شرکت به شماره ۲۴۸-۴۲۷۸۳۸۱۴-۰۲۱ تماس بگیرند.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ضمانتنامه بانکی معتبر و قابل تمدید یا فیش واریز نقدی به مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (به حروف : بیست میلیارد) ریال جهت شرکت در مزایده ۱۰۰,۰۰۰تن مخلوط آهک و ضایعات ذوب (ته پاتیل) و مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (به حروف : دو میلیارد) ریال جهت شرکت در مزایده۱۳,۰۰۰ تن گندله کلوخه شده (chunk)، به حساب شماره حساب IR۰۹۰۱۱۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۰۵۹۲۳۹۰۰۵ نزد بانک صنعت و معدن شعبه مرکزی تهران به نام شرکت صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد.

مهلت شرکت در مزایده: شرکت‌کنندگان در مزایده می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ نسبت به ارائه پاکت مهر و موم شده اسناد تکمیل شده مزایده به دبیرخانه دفتر مرکزی مزایده‌گزار اقدام نمایند .

مزایده‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی شرکت‌کنندگان در مزایده قابل پذیرش نیست.

کمیسیون معاملات شرکت صنایع فولاد آلیاژی پاسارگاد